

بسم الله الرحمن الرحيم

آیا برای سلطان جائز است تا بالای مسلمانان مالیات وضع نماید؟

(ترجمه)

پرسش

السلام علیکم ورحمة وبرکاته!

الله سبحانه وتعالی عمر طولانی نصیب‌تان فرماید! از شما پرسشی دارم؛ امیدوارم پاسخ ارائه فرمایید.

واضح است که مالیات در اسلام حرام می‌باشد؛ پس دولت اسلامی چگونه می‌تواند چنین مشکلی را بر طرف کند، در حالی که امروزه (توظیف، عشر، و خراج) وجود ندارد؟

پاسخ

وعلیکم السلام ورحمة الله وبرکاته!

معلوم می‌شود که در رابطه به موضوع پرسش شما دچار التباس شده‌اید؛ چون می‌گویید که: مالیات در اسلام حرام می‌باشد که این به شکل عام در حالات مخصوص درست است و هم‌چنان گفتید: امروز عشر و خراج وجود ندارد. باید توجه داشته باشید که سرزمین مسلمانان یا عشری است و یا هم خراجی که فعلاً وجود دارد. در رابطه به موضوع شما کلمات چون: توظیف، عشر و خراج را یاد آور شدید که کلمه (توظیف) در این جا بی‌ربط می‌باشد.

به هر صورت ما برای‌تان پاسخ مفصلی ارائه خواهیم داشت تا ابهامی باقی نماند، این شاء الله.

1. شریعت سلطان را از وضع مالیات بالای مسلمانان به خواست خودش نهی نموده است. رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیثی که احمد روایت نموده و زین و حاکم آن را صحیح می‌دانند، فرمودند: "لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ صَاحِبُ مَكْسٍ"؛ صاحب مالیات وارد بهشت نمی‌شود. کلمه (مکس) عبارت از مالیات است که از تجار/بازرگانان در مرزها گرفته می‌شود؛ اما نهی رسول الله صلی الله علیه وسلم مطابق حدیث متفق علیه که از طریق ابوبکر روایت شده است، شامل می‌شود، که فرمودند: "إِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ كَحَرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا فِي بَلَدِكُمْ هَذَا فِي شَهْرِكُمْ هَذَا...؛ بدون شک خون و مال و آبروی شما بر یک دیگر حرام است مانند حرمت امروز و این ماه و این شهر شما..." این حدیث شامل خلیفه و عامه مردم می‌گردد. بناءً برای خلیفه جائز نیست تا بخاطر مصارف از مردم مالیات اخذ کند، بلکه باید از بیت‌المال استفاده نماید.

2. اما حالات خاصی وجود دارد که شریعت مطابق نصوص وارده آنرا استثناء قرار داده و مصارف را خاص بیت‌المال نکرده بلکه بدون زیادت از نیاز، آنرا شامل همه ثروت‌مندان مسلمان نموده و این در صورت است که مال کافی در بیت‌المال وجود نداشته باشد. بناءً سلطان که مجری اوامر الله متعال می‌باشد، می‌تواند بدون خواسته‌های نفسانی خویش، مطابق احکام شرعی عمل نماید (و مالیات را بالای ثروت‌مندان امت وضع کند). بدین اساس، شریعت سلطان را مکلف به پرداخت مصارف مسلمانان از بیت‌المال نموده است؛ پس اگر مال

کافی در بیت‌المال وجود نداشت که کفایت مصارف را بکند، خلیفه مطابق احکام شرعی می‌تواند تا به قدر ضرورت مالیات را بالای ثروت‌مندان وضع نماید که در این صورت عمل وی حرام نمی‌باشد.

جواز وضع مالیات بالای مسلمانان باید دارای شروط زیر باشد:

- این که در بیت‌المال مال کافی وجود نداشته باشد؛
 - وجود نص شرعی که مصارف را بالای بیت‌المال و مسلمانان واجب گرداند؛
 - وضع مالیات باید بیشتر از نیاز نباشد؛
 - مالیات باید بالای ثروت‌مندان که بیشتر از نیازشان ثروت دارند، وضع گردد.
3. بناءً وضع مالیات در حالات خاص، مطابق با احکام شرعی و شروط یاد شده که تنها بیت‌المال را نه؛ بلکه مسلمانان را نیز مکلف به پرداخت مصارف می‌داند، جائز خواهد بود:

به گونه مثال اگر بیت‌المال قادر به پرداخت مصارف برای فقراء نبود، مالیات بالای ثروت‌مندان به اندازه ضرورت وضع می‌گردد، چون بیت‌المال تنها مسوول پرداخت مصارف فقراء نبوده و ثروت‌مندان نیز شامل آن می‌گردد. حاکم در مستدرک خود از عائشه رضی‌الله‌عنها روایت می‌کند که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود:

«لَيْسَ بِالْمُؤْمِنِ الَّذِي يَبِيتُ شَبْعَانًا وَجَارُهُ جَائِعٌ إِلَى جَنْبِهِ»

ترجمه: مؤمن نیست کسی که سیر بخوابد و همسایه او در کنارش گرسنه باشد.

در روایت طبرانی در معجم کبیر از انس بن مالک رضی‌الله‌عنه آمده که گفت: رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود:

«مَا آمَنَ بِي مَنْ بَاتَ شَبْعَانًا وَجَارُهُ جَائِعٌ إِلَى جَنْبِهِ وَهُوَ يَعْلَمُ بِهِ»

ترجمه: هرکس که شب را سیر به بستر برود و بداند که همسایه‌اش در کنار او گرسنه مانده به من ایمان نیاورده است.

حاکم در مستدرک از ابن عمر رضی‌الله‌عنهما روایت می‌کند که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود:

«وَأَيُّمَا أَهْلٍ عَرَصَةٍ أَصْبَحَ فِيهِمْ امْرُؤٌ جَائِعًا، فَقَدْ بَرَأَتْ مِنْهُمْ ذِمَّةُ اللَّهِ»

ترجمه: اهل هر سرزمینی که شب را به روز برسانند، در حالی که شخصی گرسنه‌ای در میان آنان باشد، ذمه‌الله و رسولش از آنان بری است.

و اگر بیت‌المال قادر به پرداخت مصارف جهاد نبود، مالیات بالای ثروت‌مندان به اندازه ضرورت وضع می‌گردد، چون بیت‌المال تنها مسوول پرداخت مصارف جهاد نبوده و ثروت‌مندان نیز شامل آن می‌گردد. الله متعال می‌فرماید:

﴿وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [سوره توبه آیه 41].

ترجمه: و در راه‌الله به مال و جان جهاد کنید، این کار شما را بسی بهتر خواهد بود، اگر مردمی با فکر و دانش باشید.

دلایل دیگر نیز در این راستا وجود دارد.

و اگر بیت‌المال قادر به پرداخت مصارف ارتش نبود، مالیات بالای ثروت‌مندان به اندازه ضرورت وضع می‌گردد، چون بیت‌المال تنها مسوول پرداخت مصارف ارتش نبوده و ثروت‌مندان نیز شامل آن می‌گردد. احمد در مسند خویش از عبد‌الله بن عمر رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود:

«لِلْغَازِي أَجْرُهُ، وَلِلْجَاعِلِ أَجْرُهُ وَأَجْرُ الْغَازِي»

ترجمه: برای غازی اجر خودش و برای مزد دهنده اجر غازی و اجر خودش داده می‌شود.

و اگر در شهری بیمارستان وجود نداشت و عدم موجودیت آن سبب متضرر شدن مردم می‌گردید و بیت‌المال قادر به پرداخت مصارف اعمار آن نبود، مالیات بالای ثروت‌مندان به اندازه ضرورت وضع می‌گردد؛ چون اعمار بیمارستان جهت رفع ضرر از مردم، تنها مسوولیت بیت‌المال نبوده و ثروت‌مندان نیز شامل آن می‌گردد؛ چون جلوگیری از ضرر عام می‌باشد. حاکم در مستدرک حدیث صحیحی را از ابی سعید خدری -رضی الله عنه- روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ، مَنْ ضَارَ ضَارَهُ اللَّهُ، وَمَنْ شَاقَّ شَاقَّ اللَّهُ عَلَيْهِ»

ترجمه: ضرر و زیان رسانیدن به خود جائز نیست. کسی که به دیگری زیان وارد می‌کند، الله (جل جلاله) به او زیان رساند و کسی که

دیگری را به مشقت اندازد، الله (جل جلاله) او را به مشقت خواهد افکند.

و اگر بیت‌المال قادر به پرداخت مصارف برای رعیت در حوادث مانند طوفان و زمین لرزه نبود، مالیات بالای ثروت‌مندان به اندازه ضرورت وضع می‌گردد، چون بیت‌المال تنها مسوول پرداخت مصارف حوادث نبوده و ثروت‌مندان نیز شامل آن می‌گردد. ابوداود در سنن خویش از ابن حُجیر العَدَوی روایت می‌کند که گفت: از عمر بن خطاب -رضی الله عنه- شنیدم که رسول الله -صلی الله علیه وسلم فرمود: «وَتُغِيثُوا الْمَلْهُوفَ وَتَهْدُوا الضَّالَّ»؛ متضرر را کمک و گمراه را راهنمایی کنید. این حدیث در زمان قحطی که قبلاً یاد آور شدیم، نیز صدق می‌کند. 4. و مصارف در موارد چون ایجاد راه دومی، اعمار بیمارستان دومی، فابریکه‌های تولیدی مانند استخراج نیکل و سنگ سمره، ایجاد حوض‌ها بخاطر کشتی‌های تجارتي و غیر از این‌ها که عدم موجودیت‌شان باعث متضرر شدن مردم نمی‌گردد، تنها مسوولیت بیت‌المال می‌باشد. در صورت موجودیت پول کافی بیت‌المال باید اقدام به این کارها نماید؛ اما اگر پول کافی در بیت‌المال وجود نداشت، مسلمانان مکلف به پرداخت مالیات نبوده و باید منتظر ماند تا پول مورد نیاز به دسترس بیت‌المال قرار گیرد.

5. به جز از ثروت‌مندان مالیات بالای دیگر مسلمانان وضع نمی‌گردد، چون کسی که بیشتر از حاجات اساسی اش ثروت نداشته باشد، از وی مالیات اخذ نمی‌گردد، مگر کسی که بیشتر از حاجات اساسی اش ثروت داشته باشد، مالیات پرداخت می‌نماید. بخاری از ابوهریره روایت می‌کند که رسوالله صلی الله علیه وسلم فرمود: «خَيْرُ الصَّدَقَةِ مَا كَانَ عَنْ ظَهْرِ غِنَى»؛ بهترین صدقه آن است که با پشتوانه بی‌نیازی باشد.

(غِنَى) یا ثروت به چیزی گفته می‌شود که انسان بیشتر از اندازه حاجات اش نیازی به آن نداشته باشد. مسلم از جابر -رضی الله عنه- روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«أَبْدَأُ بِنَفْسِكَ فَتَصَدَّقْ عَلَيْهَا، فَإِنْ فَضَّلَ شَيْءٌ فَلَأَهْلِكَ، فَإِنْ فَضَّلَ عَنْ أَهْلِكَ شَيْءٌ فَلِذِي قَرَابَتِكَ، فَإِنْ فَضَّلَ عَنْ ذِي قَرَابَتِكَ شَيْءٌ

فَهَكَذَا وَهَكَذَا - يَقُولُ فَبَيْنَ يَدَيْكَ، وَعَنْ يَمِينِكَ، وَعَنْ شِمَالِكَ»

ترجمه: از خود شروع کن و اول به نفس خویش کمک نما؛ پس اگر چیزی اضافه شد، آن را به اهل و عیال خود بده، اگر از اهل و عیالت

چیزی اضافه گردید، آن را به خویشاوندان خویش عطا کن و اگر از آنان چیزی اضافه ماند، این چنین و آن چنان (کن و به هرکس که

می‌خواهی عطا کن).

پس کسی که باید برایش انفاق شود، در مرتبه دوم بعد از انفاق کننده قرار داده شده و مالیات نیز مانند انفاق و صدقه می‌باشد. الله متعال می‌فرماید:

﴿...وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ...﴾ [سوره بقره آیه 219]

ترجمه: و از تو می‌پرسند: چه چیز را صدقه و انفاق کنند؟ بگو: ما زاد (نیازمندی خود را).

یعنی مالی که از نیاز بیشتر باشد، از آن مالیه گرفته می‌شود؛ پس مالیات از ثروت‌مندان که شامل دایره زکات می‌گردند، گرفته می‌شود نه از فقراء.

6. اما مالیات بیشتر از قدر ضرورت بالای رعیت وضع نمی‌گردد؛ چون نصوص شرعی گرفتن مالیات را بخاطر رفع نیازمندی‌های خاص جواز داده است. و این همان حالت استثنائی گرفتن مال یک‌فرد بدون رضایتش می‌باشد. بناءً باید همان حدی را که نصوص در اخذ مالیات معین ساخته (گرفتن مالیات به اندازه نیاز، نه بیشتر از آن) رعایت گردد، در غیر آن اخذ مالیات ظلم محسوب می‌گردد.

7. از آن‌چه که گذشت فهمیده می‌شود که فرضیه ناتوانی (دائمی و یا شبیه دائمی) در رابطه به بودجه دولت خلافت اسلامی، یک‌فرضیه‌ای می‌باشد که در غیر محل اصلی‌اش قرار دارد؛ چون ناتوانی یعنی این‌که واردات برای مصارف کفایت نکند؛ ولی اگر اسلام به‌شکل احسن تطبیق گردد، این ناتوانی بنا به دو امر مهم، خلاف اصل می‌باشد:

الف: احکام شرعی بدون درنظرداشت اجتهاد و گمان مردم، چگونگی اخذ مالیات و مصرف آن‌را را توسط دولت، مفصلاً بیان نموده است. قسمی که در بالا تذکر دادیم، انفاق را در بعضی از امور که ربطی به وجود و عدم وجود مال در بیت‌المال ندارد، بالای بیت‌المال و مسلمانان لازم گردانیده است، و اگر مال کافی در بیت‌المال وجود نداشته باشد، مالیات جهت تنظیم بعضی امور وضع می‌گردد. و مصارفی که فقط برای بیت‌المال لازم است، هنگام باید صورت گیرد که بودجه کافی برای مصرف در بیت‌المال مسلمانان وجود داشته باشد، در این صورت هیچ نوع مالیاتی بالای مسلمانان وضع نمی‌گردد.

ب: واردات دائمی بیت‌المال عبارت از فیه، غنائم، أنفال، خراج و... و هم‌چنان ملکیت عامه با انواع آن و واردات املاک دولتی، عشور، خمس معادن، معدن و اموال زکات می‌باشد...

در صورت موجودیت مال و یا عدم موجودیت آن، اصل همان خواهد بود که باید واردات دائمی بیت‌المال برای مصارف که پرداخت آن الزامی است، کافی باشد. لذا ناتوانی و ضعف مالی در پرداخت مصارف (برای بیت‌المال دولت اسلامی) امر نادرست و به دور از واقعیت می‌باشد.

تفصیلات بیشتری در کتاب‌های نظام اقتصادی، اموال در دولت خلافت و مقدمه دستور نیز پیش کش شده است.

امید وارم این جواب کافی باشد. - بإذن الله-

برادر تان عطاء بن خلیل أبوالرشته

12 شعبان 1437 هـ.ق.

مطابق 19/05/2016 م.